

نقش ایدئولوژی‌های عدالت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه بر عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی دانشجویان

محسن گلپور^۱، محمد اکبری^۲

چکیده

زمینه و هدف: عدالت در قالب ایدئولوژی‌های عدالت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، از زمره عناصر ادراکی و شناختی مهم در عرصه‌های مختلف زندگی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش ایدئولوژی‌های عدالت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه بر عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی دانشجویان در شهر اصفهان بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه همبستگی به صورت گذشته‌نگر انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۵۰۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه (Dalbert)، باور به دنیای ناعادلانه (Dalbert و همکاران)، عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی (هر سه از Dalbert و همکار) و ایدئولوژی‌های عدالت و پرسش‌نامه اعتماد دموکراتیک (هر دو از Wegener و همکاران) بود. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی Pearson و مدل‌سازی معادله ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری نشان داد که جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک ۵/۷ درصد از واریانس باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه ۱/۸ درصد از واریانس عدالت رفتاری، باور به دنیای عادلانه، عدالت رفتاری و برابری گرایی، ۱۹/۲ درصد از واریانس عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری، ۷/۹ درصد از واریانس استرس منفی را تبیین می‌نماید.

نتیجه‌گیری: تقویت باور به دنیای عادلانه و تضعیف برابری گرایی باعث افزایش عدالت رفتاری می‌گردد و تقویت باور به دنیای عادلانه باعث افزایش عدالت در ارزیابی خواهد شد. با افزایش عدالت رفتاری و عدالت در ارزیابی، سطح استرس منفی دانشجویان کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی‌های عدالت، باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه، عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی، استرس منفی، دانشجویان.

نوع مقاله: تحقیقی

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۶

دریافت مقاله: ۸۸/۳/۱۳

E-mail: mgolparvar@khuif.ac.ir

۱- استادیار، گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲- کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

مقدمه

بخش عمده‌ای از توجهات انسان‌ها به عدالت در عرصه‌های اجتماعی، ناشی از نحوه تعامل آن‌ها با دیگر افراد است. در عمل، آن گاه که زمینه برای روابط مشترک بین انسان‌ها پدید می‌آید، به اشکال مختلف به واسطه تنیده شدن روابط اجتماعی با کنش‌هایی نظیر تصمیم‌گیری، توجه، اطلاع‌رسانی و توزیع دستاوردها، بستری برای رجوع افراد به ملاک‌ها و استانداردهای مطرح برای رعایت عدالت فراهم می‌شود. بخش عمده ملاک‌ها و استانداردهای مطرح برای عدالت، امروزه در چارچوب ایدئولوژی‌های عدالت (Justice ideologies) قرار می‌گیرند (۱). در واقع ایدئولوژی‌های عدالت نگرش‌هایی را شامل می‌شود که مشتمل بر دیدگاه‌ها و اصول معطوف به چرایی و چگونگی وقوع و تحقق یافتن بسیاری از وقایع در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. دو حوزه بسیار مطرح برای ایدئولوژی‌های عدالت، فردگرایی (Individualism) و برابری‌گرایی (Egalitarianism) است (۲، ۳). در فرد گرایی، عناصر اصلی در داوری فرد در مورد حضور یا عدم حضور عدالت، کسب دستاوردها بر مبنای تلاش، پایداری، مسئولیت و پیشرفت است. در مقابل، در برابری‌گرایی، آن چه از نظر کلی دارای محوریت است، برابری و مساوات در کسب دستاوردها (صرف نظر از تلاش، کوشش، پشتکار و مسئولیت) و یا حداقل داشتن فرصت‌های برابر برای پیشرفت و ترقی می‌باشد. در برابری‌گرایی، رعایت سطحی از استانداردهای زندگی قابل قبول برای همه، صرف نظر از تعلقات آن‌ها به پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی خاص، بسیار حایز اهمیت است. شکل سوم ایدئولوژی‌های معطوف به عدالت، که اغلب تحت تأثیر جدی تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد، جبر گرایی (Fatalism) است. جبر گرایی، اشاره به ناتوانی انسان در تأثیر بر روند وقوع و اجرای عدالت است که از لحاظ جامعه شناختی ممکن است به صورت مقطعی سازگارانه باشد، اما از بعد روان شناختی چندان سازگارانه نیست (۴-۷). در مجموع، شواهد قابل توجهی وجود دارد که

نشان می‌دهد ایدئولوژی‌های معطوف به عدالت در دوره‌های مختلف زمانی از لحاظ شدت و اهمیت دست‌خوش تغییر شده است (۸، ۹). امروزه در بسیاری از جوامع، تحولات و تغییرات دوره‌ای ایدئولوژی‌های عدالت تحت تأثیر و یا حداقل همراه با تغییراتی در سطح اعتماد به دموکراسی (مردم سالاری) یا همان اعتماد دموکراتیک است. این نوع اعتماد، که همپوشی‌های شناختی-نگرشی قابل توجهی با برخی از ابعاد ایدئولوژی‌های عدالت، به ویژه برابری‌گرایی، دارد، بر مبنای اطمینان به مهم و مؤثر بودن نقش افراد در سرنوشت جامعه و خود مطرح می‌گردد (۱). به طور طبیعی، اعتماد دموکراتیک بر مبنای این باور پایه‌گذاری می‌شود که دولت‌مردان ارزش لازم و کافی برای مشارکت و سهمیم بودن افراد جامعه در سرنوشت خود قابل هستند.

دسته دیگری از باورهای معطوف به عدالت که در حد قابل توجهی گستره‌ای جهان شمول دارد، باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه (Belief in a just an unjust world) است. باور به دنیای عادلانه، که برای اولین بار توسط Lerner (۱۹۶۵) مطرح گردید، ریشه در نیاز به درک دنیا به عنوان مکانی قابل پیش‌بینی و دارای نظم عادلانه دارد که در آن افراد نه بر اساس نیک خواهی، که بر اساس شایستگی، تلاش و انصاف، آن چه استحقاقش را دارند، از دنیا به دست می‌آورند (۱۱، ۱۰). Hafer نیز معتقد است علت اصلی این که انسان‌ها نسبت به باور به دنیای عادلانه پای‌بندی نشان می‌دهند، این است که این نوع باورها به افراد اجازه می‌دهد تا بر اساس رفتارهای اجتماعی قابل قبول، اهداف بلند مدت خود را پی‌گیری کنند (۱۲). همچنین Lerner و همکار اظهار داشته‌اند که بدون حضور این باورها، برای افراد دشوار است که نسبت به اهداف بلند مدت خود تعهد نشان دهند؛ چرا که در یک دنیای مبتنی بر نظم و قواعد عادلانه است که تعهد و تلاش نسبت به اهداف، به سرانجامی رضایت‌بخش منجر شود نه در یک دنیای مبتنی بر تصادف و بی‌عدالتی (۱۱). در عین حال این نوع باورها در عرصه‌های مختلف تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی، پیامدهای مختلفی را در

سطح روانی و رفتاری به جای می‌گذارند (۱۷-۱۳). در مقابل باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه قرار دارد. باور به دنیای ناعادلانه در واقع باور به بی‌نظمی و شانس نیست، بلکه باور به این امر است که در کسب دستاوردهای مادی و غیر مادی، تلاش، پشتکار و شایستگی نقش چندانی ندارد. Furnham و همکار (۱۸) و Dalbert و همکار (۱۹) بیان نموده‌اند که این باورها (باور به دنیای ناعادلانه) خود حاوی این گرایش فکری است که رخدادها و حوادث در زندگی دنیایی انسان، از طریق اصولی به جز شایستگی و تلاش هدایت می‌شود. شواهد پژوهشی داخل و خارج از ایران حاکی از آن است که باور به دنیای ناعادلانه، آن گونه که باور به دنیای عادلانه منجر به پیامدهایی نظیر کاهش سطح افسردگی، اضطراب و گرایش‌های روانی نابهنجار نظیر سوء ظن و بدگمانی می‌شود، دارای پیامدهای مثبت جدی برای افراد نیست (۲۲-۲۰، ۱۷).

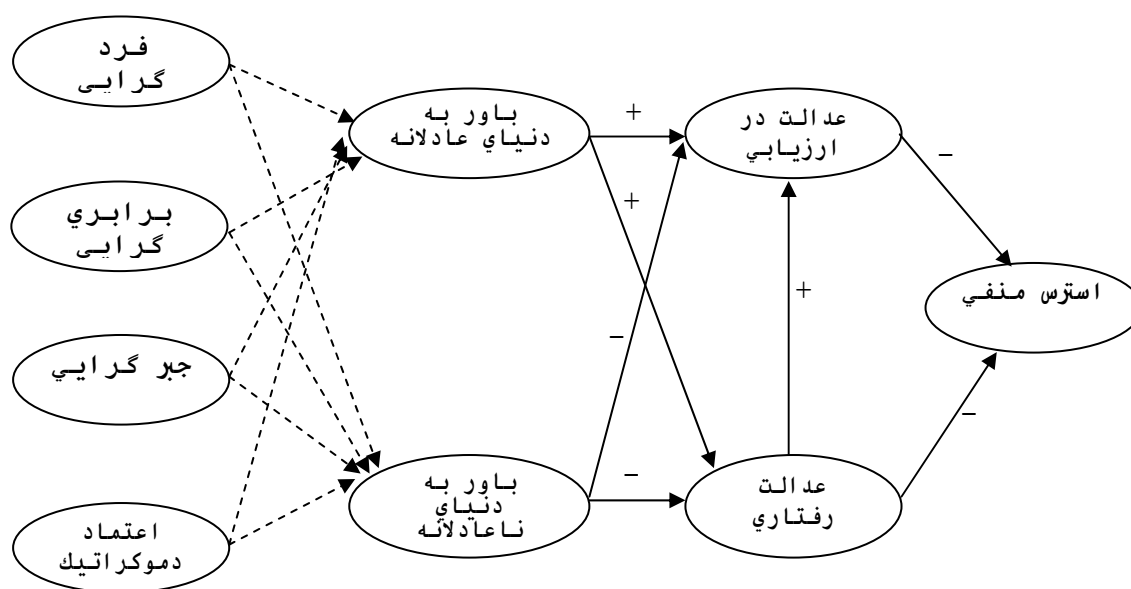
به هر حال، یکی از عرصه‌هایی که در آن باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه نقش جدی بازی می‌کند، عرصه تحصیل است. در محیط‌های تحصیلی، اعم از تحصیلات پیش از دانشگاه و در دانشگاه، باور به عدالت همواره یکی از نکات محوری است. شواهد حاصل از تحقیق Dalbert و همکار در آلمان (۲۳) و گل‌پرور و نادری در ایران (۲۰) حاکی از آن است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه (این مورد در ایران) با نگرش دانش‌آموزان نسبت به عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری معلمان، به ترتیب دارای رابطه مثبت و منفی است.

در کنار این یافته، یافته‌های متعددی حاکی از آن است که محیط‌های تحصیلی نیز، مانند دیگر محیط‌ها، از بسیاری جهات می‌تواند برای دانش‌آموزان و دانشجویان زمینه تجربه استرس منفی (Distress) را فراهم کند (۲۴، ۲۳، ۲۰). بخشی از واریانس تجربه استرس منفی در محیط‌های تحصیلی به باور به دنیای عادلانه، عدالت رفتاری و عدالت در ارزیابی معلمان و استادان باز می‌گردد. شواهد حاصل از تحقیق Dalbert و همکار (۲۳) و گل‌پرور و نادری (۲۰) حاکی از آن است که با بالا رفتن ادراک و نگرش دانش‌آموزان به

عدالت رفتاری و عدالت در ارزیابی معلمان، سطح استرس منفی دانش‌آموزان مدارس کاهش می‌یابد. این اثرات کاهشی بیشتر به کارکردهای روان‌شناختی، که برای باور به دنیای عادلانه و باور به اشکال دیگر عدالت (عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری در معلمان) مطرح است، باز می‌گردد. از مهم‌ترین کارکردهای باور به دنیای عادلانه، ضربه‌گیری در برابر فشارهای منفی حوادث ناخوشایند زندگی، تفسیر حوادث یا رفتارهای دیگران بر مبنای شایستگی موقعیتی و تغییر تفسیرهای مبتنی بر بی‌عدالتی در راستای عدالت‌گرایی غایی است. اما باور به دنیای ناعادلانه نه تنها دارای چنین کارکردهایی نیست، بلکه احتمال دارد افراد را در چرخه‌های ذهنی معیوب مبتنی بر پیش‌گویی خودکامروا ساز قرار دهد و سطح خصومت و خشم را در افراد بالا برد (۲۸-۲۵). به هر حال، بر اساس آن چه بیان گردید، روابط مطرح بین متغیرهای پژوهش بر اساس مبانی نظری و پژوهشی مرور شده، برای اولین بار در این پژوهش به شرح مدل ارائه شده در شکل ۱ است.

لازم به ذکر است که در شکل ۱، پیکان‌های خطچین حاکی از روابط احتمالی و پیکان‌های توپر حاکی از روابط دارای حمایت پژوهشی نسبی است. به هر حال بر پایه مدل ارائه شده در شکل ۱، انتظار می‌رود که ایدئولوژی‌های عدالت بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و به دنبال آن، دو متغیر بر عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری و در نهایت دو متغیر اخیر بر استرس منفی دانشجویان اثر گذارند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، بررسی مدل روابط بین ایدئولوژی‌های عدالت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و به دنبال آن با عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی دانشجویان در قالب مدل نظری ارائه شده در شکل ۱ بود. بر همین مبنای، سؤالات زیر محور اصلی برای تحلیل داده‌های حاصل از اجرای پژوهش بود.

سؤال ۱: میزان رابطه فرد گرایی، برابری گرایی، جبر گرایی (سه مؤلفه ایدئولوژی‌های عدالت) و اعتماد دموکراتیک با باور به دنیای عادلانه چقدر است؟



شکل ۱. مدل اولیه مطرح برای روابط بین متغیرهای پژوهش

پایین‌ترین همبستگی استرس منفی به عنوان متغیر ملاک یا پیامد نهایی با متغیرهای پیش‌بین بررسی گردید که پایین‌ترین همبستگی مربوط به رابطه باور به دنیای عادلانه با استرس منفی و معادل $-0/114$ بود. دلتای مورد نیاز برای توان آماری $0/8$ و برای این مورد، ضریب همبستگی برابر با $2/5$ بود. بدین جهت برای دستیابی به توان آزمون $0/8$ برای همبستگی فوق، به حدود ۵۰۰ نفر نمونه نیاز بود. به جهت این که پایین‌ترین همبستگی برای محاسبه کفایت حجم نمونه در نظر گرفته شد، برای همبستگی‌های دیگر که از $-0/114$ بالاتر بودند، توان آزمون در حد بالاتری خواهد بود (۳۱). نمونه مذکور به این شکل انتخاب شد که در مرحله اول از کل دانشگاه‌های شهر اصفهان، پنج دانشگاه (شامل دانشگاه آزاد خوراسگان، دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه غیرانتفاعی شیخ بهایی و دانشگاه پیام نور) بر اساس امکان دسترسی و مراجعه انتخاب شدند. سپس از هر دانشگاه، طی پنج روز مراجعه، ۱۰۰ نفر از دانشجویان در محیط دانشگاه در فضای دانشکده‌ها به صورت در دسترس بر مبنای تمایل به پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های پژوهش، نمونه‌گیری شدند. از ابزارهای زیر برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده به عمل آمد.

سؤال ۲: میزان رابطه فرد گرایی، برابری گرایی، جبر گرایی (سه مؤلفه ایدئولوژی‌های عدالت) و اعتماد دموکراتیک با باور به دنیای ناعادلانه چقدر است؟
سؤال ۳: میزان رابطه باور به دنیای عادلانه با عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری چقدر است؟
سؤال ۴: میزان رابطه باور به دنیای ناعادلانه با عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری چقدر است؟
سؤال ۵: میزان رابطه عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری با استرس منفی چقدر است؟
لازم به ذکر است که سؤالات بالا نه در سطح همبستگی‌های ساده، بلکه در قالب مدل‌سازی معادله ساختاری در نظر گرفته شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی بود و جامعه آماری آن را دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شهر اصفهان تشکیل دادند. از این جامعه آماری، طی نمونه‌گیری در دسترس از طریق مراجعه حضوری به دانشجویان در فضای دانشگاه‌ها، تعداد ۵۰۰ نفر برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های پژوهش انتخاب شدند.

برای سنجش ایدئولوژی‌های عدالت، از پرسش‌نامه ده سؤالی معرفی شده توسط Wegener و همکاران (۲۰۰۰) که دارای سه خرده مقیاس فرد گرایی (با ۴ سؤال)، برابری گرایی (با ۴ سؤال) و جبر گرایی (با دو سؤال) است، استفاده به عمل آمد (۱). پرسش‌نامه اصلی دارای یک خرده مقیاس دیگر موسوم به سوسیالیسم دولتی (با سه سؤال) نیز بود که به دلیل عدم تناسب سؤالات آن با فرهنگ ایران کنار گذاشته شد. این پرسش‌نامه ایده‌های اصلی مطرح در توجه به عدالت را مورد سنجش قرار می‌دهد و مقیاس پاسخ‌گویی آن پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است. در پژوهش حاضر سؤالات مورد تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی قرار گرفت (چرخش از نوع واریماکس). نتایج حاکی از آن بود که به جز دو سؤال ۲ و ۴ (مربوط به فردگرایی) که با سؤالات عامل برابری گرایی همبستگی به نسبت قابل توجهی داشتند، در بقیه موارد الگوی قرار گیری سؤالات بر روی خرده مقیاس‌ها با الگوی ارایه شده توسط Wegener و همکاران (۱) همسویی داشت. بررسی نقش سؤالات در آلفای کرونباخ هر زیر مقیاس حاکی از آن بود که یک سؤال از خرده مقیاس برابری گرایی دارای شرایط مطلوبی نیست (سؤال سوم: مردم سزاوار این هستند که ثروت خود را به فرزندان‌شان منتقل کنند)؛ از این رو در تحلیل‌های نهایی و محاسبات، تعداد سؤالات مربوط به برابری گرایی به سه سؤال تقلیل یافت. دلیل حذف این سؤال از خرده مقیاس برابری گرایی این بود که حضور این سؤال در حد قابل توجهی آلفای کرونباخ این خرده مقیاس را کاهش می‌داد. به هر حال آلفای کرونباخ برابری گرایی و فرد گرایی، به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۴ به دست آمد. همبستگی دو گویه مربوط به جبر گرایی نیز در پژوهش حاضر ۰/۳۵۱ به دست آمد ($P < ۰/۰۰۱$).

برای سنجش اعتماد دموکراتیک از پنج پرسش معرفی شده توسط Wegener و همکاران استفاده به عمل آمد (۱). این پنج پرسش سطح اعتماد افراد پاسخ‌گو را به رعایت شاخص‌های دموکراسی در جامعه مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس پاسخ‌گویی این ابزار نیز نظیر پرسش‌نامه

ایدئولوژی‌های عدالت، پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است. Wegener و همکاران بر پایه تحلیل عاملی تأییدی، روایی سازه ابعاد ایدئولوژی‌های عدالت را همراه با اعتماد دموکراتیک تأیید نموده‌اند (۱). در گزارش Wegener و همکاران طی یک دوره پنج ساله، پایایی ایدئولوژی‌های عدالت و اعتماد دموکراتیک بر حسب تفاوت‌سنجی تغییر این ایدئولوژی‌ها و اعتماد دموکراتیک از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ در گروه نمونه آلمان غربی نسبت به گروه نمونه آلمان شرقی مورد بررسی قرار گرفت. شاخص دیگری از پایایی نظیر آلفای کرونباخ یا باز آزمایی در قالب ضریب، توسط این پژوهشگران ارایه نشده است (۱). در پژوهش حاضر از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (سؤالات این پرسش‌نامه همراه با سؤالات پرسش‌نامه ایدئولوژی‌های عدالت مورد تحلیل قرار گرفت) پنج سؤال این پرسش‌نامه بر روی یک عامل (با ارزش ویژه ۳/۰۲۱ و واریانس تبیین شده ۱۶/۷۸ درصد) قرار گرفت. آلفای کرونباخ این پنج سؤال ۰/۷۴۱ به دست آمد.

برای سنجش باور به دنیای عادلانه، از پرسش‌نامه ۷ سؤالی ساخت و اعتباریابی شده توسط Dalbert و همکار که در مقیاس شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) پاسخ داده می‌شود، استفاده به عمل آمد (۲۹). شواهد مربوط به روایی این پرسش‌نامه توسط گل‌پرور و عریضی از طریق روایی همگرایی با پرسش‌نامه‌های باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران به ترتیب برابر با ۰/۶۸۳ و ۰/۴۷۸ ($P < ۰/۰۱$) گزارش شده است (۱۶). در مطالعه گل‌پرور و نادی نیز به عنوان شواهدی از روایی سازه این پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (چرخش از نوع واریماکس) ۷ سؤال بر روی یک عامل با آلفای کرونباخ ۰/۷۳ قرار گرفته است (۲۰). در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی (با چرخش از نوع واریماکس) هفت سؤال این پرسش‌نامه را بر روی یک عامل با ارزش ویژه ۴/۰۴۶ و واریانس تبیین شده ۳۶/۷۸ درصد قرار داد. آلفای کرونباخ برای این هفت سؤال نیز ۰/۸۳۸ به دست آمد.

برای سنجش باور به دنیای ناعدلانه از ۴ سؤال معرفی شده توسط Dalbert و همکاران استفاده به عمل آمد (۳۰). این پرسش‌نامه دارای شواهد روایی و پایایی مطلوبی می‌باشد؛ به ترتیبی که تحلیل عاملی اکتشافی سه سؤال آن را در ایران بر روی یک عامل با آلفای کرونباخ ۰/۵ قرار داده است (۲۰). مقیاس پاسخ‌گویی این پرسش‌نامه نیز شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) است. تحلیل عاملی اکتشافی چهار سؤال این پرسش‌نامه در کنار سؤالات مربوط به باور دنیای عادلانه، حاکی از آن بود که سه سؤال این پرسش‌نامه (سؤالات ۳-۱) بر روی یک عامل با ارزش ویژه ۱/۳۷ و واریانس تبیین شده ۱۲/۵۳ درصد قرار می‌گیرند. بررسی نقش سؤال چهارم (فکر نمی‌کنم روزی فرا برسد که بی‌عدالتی‌های روا داشته شده به انسان‌ها به اندازه کافی تلافی و جبران شود) در آلفای کرونباخ مشخص ساخت که با حذف این سؤال آلفای کرونباخ سه سؤال باقی‌مانده در حد قابل توجهی بالا می‌رود، بنابراین از آن‌جا که سؤال چهارم (به شرحی که در بالا آمد) نه در تحلیل عاملی بر روی عامل باور به دنیای ناعدلانه قرار می‌گرفت و در عین حال موجب تضعیف آلفای کرونباخ نیز می‌گردید، این سؤال در تحلیل‌های نهایی کنار گذاشته شد. آلفای کرونباخ سه سؤال باقی‌مانده در نهایت ۰/۵۶ به دست آمد.

برای سنجش عدالت در ارزیابی از سه سؤال معرفی شده توسط Dalbert و همکاران استفاده به عمل آمد (۲۳). این پرسش‌نامه نیز در گذشته توسط گل‌پرور و نادری از نظر شواهد روایی و پایایی بررسی شده بود؛ به ترتیبی که سه سؤال در تحلیل عاملی اکتشافی (با چرخش از نوع واریماکس) بر روی یک عامل با آلفای کرونباخ ۰/۵۹ قرار گرفت (۲۰). هر یک از سه سؤال این پرسش‌نامه مربوط به رعایت عدالت معلمان در ارزیابی دروس ادبیات، ریاضی و انگلیسی در مراحل قبل از دانشگاه است. در این پژوهش که نمونه مورد بررسی از دانشجویان دانشگاه تشکیل یافته بود، دروس ادبیات، ریاضی و انگلیسی به ترتیب به دروس عمومی، پایه و تخصصی تغییر یافت. در عین حال به جای واژه معلمان از واژه استادان

دانشگاه استفاده شد. آلفای کرونباخ این سه سؤال در پژوهش حاضر ۰/۵۸ به دست آمد. مقیاس پاسخ‌گویی این سه سؤال شش درجه‌ای (بسیار عادلانه = ۶ تا بسیار ناعدلانه = ۱) بود. برای سنجش عدالت رفتاری از تک سؤال معرفی شده توسط Dalbert و همکاران استفاده شد (۲۳). این تک سؤال نیز همسان با سؤالات مربوط به عدالت در ارزیابی در مقیاس شش درجه‌ای (بسیار عادلانه = ۶ تا بسیار ناعدلانه = ۱) پاسخ داده شد. دلایل سنجش عدالت رفتاری با تک سؤال در پژوهش Dalbert و همکاران موجود است (۲۳). در این سؤال نیز به جای استفاده از کلمه معلمان از واژه استادان استفاده شد. این سؤال بر حسب پایایی باز آزمایی از شرایط مطلوبی (۰/۶ و $P < ۰/۰۰۱$) برخوردار بود.

برای سنجش استرس منفی در دانشگاه از ۲ سؤال معرفی شده توسط Dalbert و همکاران استفاده به عمل آمد (۲۳). با این تفاوت که در تنه سؤالات، کلمه مدرسه به دانشگاه تغییر یافته بود. شواهد روایی و پایایی این دو سؤال در ایران در پژوهش گل‌پرور و نادری ارائه شده است؛ به ترتیبی که تحلیل عاملی اکتشافی (با چرخش از نوع واریماکس) دو سؤال را بر روی یک عامل با همبستگی دو گویه معنی‌دار ($P < ۰/۰۱$) برابر با ۰/۴۹ قرار داد (۲۰). محتوای کلی این دو سؤال به این ترتیب بود که تا چه اندازه دانشجو از آمدن به دانشگاه احساس فشار و ناراحتی می‌کند. همبستگی دو گویه در پژوهش حاضر ۰/۲۸۲ به دست آمد ($P < ۰/۰۰۱$).

کلیه پرسش‌نامه‌های پژوهش توسط اعضای نمونه به صورت خود گزارش‌دهی پاسخ داده شد. زمان پاسخ‌گویی نیز بین ۵ تا ۱۰ دقیقه متغیر بود. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی Pearson و مدل سازی معادله ساختاری (SEM: Structural equation modeling) مورد تحلیل قرار گرفت. در مدل سازی معادله ساختاری فرد گرایی، برابری گرایی، جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک به عنوان متغیرهای مستقل مدل (همچنین به عنوان متغیرهای پیش‌بین سطح اول) و به دنبال آن باور به دنیای عادلانه و ناعدلانه به عنوان

متغیرهای واسطه‌ای سطح اول، سپس عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری به عنوان متغیرهای واسطه‌ای سطح دوم و در نهایت استرس منفی به عنوان متغیر پیامد یا ملاک در نظر گرفته شد. مدل‌سازی معادله ساختاری با توجه به مفروضه‌های این نوع تحلیل با استفاده از نرم‌افزار AMOS انجام شد.

یافته‌ها

از ۵۰۰ نفر نمونه، ۲۵۳ نفر (۵۰/۶ درصد) مذکر و ۲۴۷ نفر (۴۹/۴ درصد) مؤنث بودند. دامنه سنی دانشجویان از ۱۸ تا ۶۷ سال متغیر بود و میانگین سنی برای پنج دانشگاه ۲۰/۸۷ (با انحراف معیار ۲/۹۱) به دست آمد. از کل گروه نمونه ۷۵ نفر (۱۵ درصد) اعلام نمودند که دارای سابقه مشروطی در ترم‌های قبل بوده‌اند.

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

چنان که در جدول ۱ دیده می‌شود، باور به دنیای عادلانه با باور به دنیای ناعادلانه ($r = -0/344$)، استرس منفی ($r = -0/114$) و جبر گرایی ($r = -0/175$) دارای رابطه منفی

و معنی‌دار و با عدالت رفتاری ($r = 0/235$)، عدالت در ارزیابی ($r = 0/135$) و اعتماد دموکراتیک ($r = 0/199$) دارای رابطه مثبت و معنی‌داری ($P < 0/01$) بود. باور به دنیای ناعادلانه نیز با عدالت رفتاری ($r = -0/114$) و اعتماد دموکراتیک ($r = -0/174$) دارای رابطه منفی و معنی‌دار ($P < 0/01$) اما با فرد گرایی ($r = 0/164$)، برابری گرایی ($r = 0/189$) و با جبر گرایی ($r = 0/144$) دارای رابطه مثبت و معنی‌دار بود. عدالت رفتاری با عدالت در ارزیابی ($r = 0/389$) دارای رابطه مثبت و معنی‌دار ($P < 0/01$)، اما با استرس منفی ($r = -0/192$)، برابری گرایی ($r = 0/102$) و جبر گرایی ($r = -0/093$) دارای رابطه منفی و معنی‌دار ($P < 0/05$ و $P < 0/01$) بود. عدالت در ارزیابی با استرس منفی ($r = -0/263$) و جبر گرایی ($r = -0/099$) دارای رابطه منفی و معنی‌دار ($P < 0/05$ ، $P < 0/01$) بود. در جدول ۲ ضرایب استاندارد و غیر استاندارد به همراه واریانس تبیین شده متغیرهای پیش‌بین و ملاک در الگوی نهایی حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش ارائه شده است.

در شکل ۲، مسیرهای مطرح شده در جدول ۲ برای مدل نهایی ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

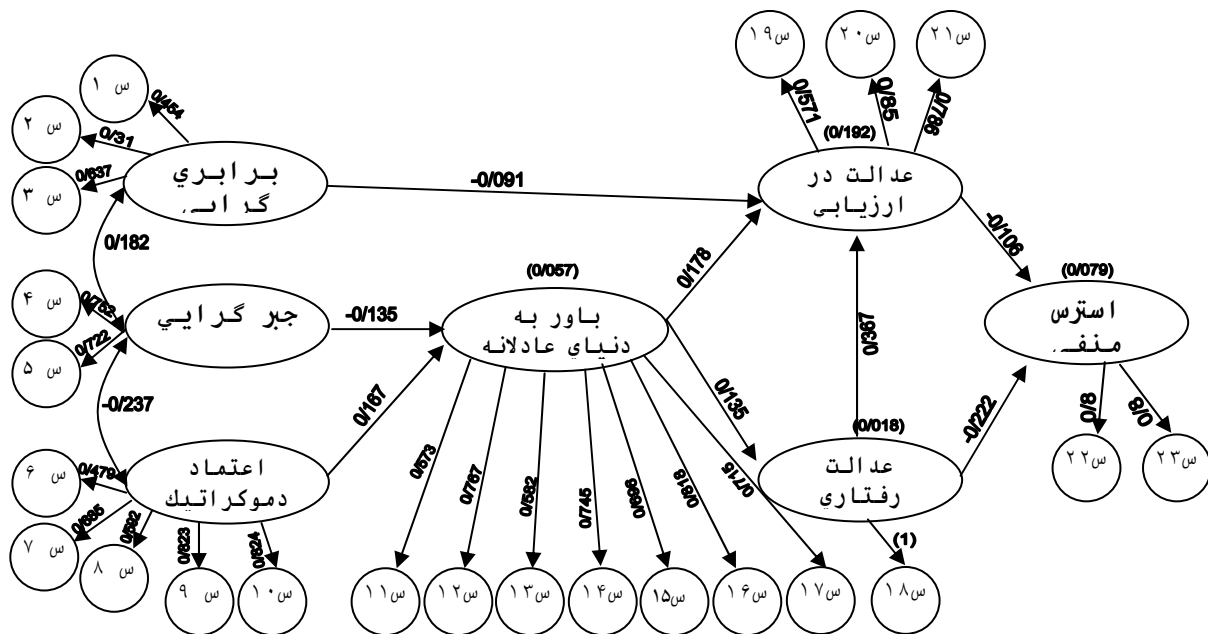
ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	باور به دنیای عادلانه	باور به دنیای ناعادلانه	عدالت رفتاری	عدالت در ارزیابی	استرس منفی	فرد گرایی	برابری گرایی	جبر گرایی
۱	باور به دنیای عادلانه	۲۶/۹۷	۶/۴۶	-							
۲	باور به دنیای ناعادلانه	۱۱/۴۵	۲/۹۹	-۰/۳۴۴**	-						
۳	عدالت رفتاری	۱۱/۳۳	۳/۱۵۸	۰/۲۳۵**	-۰/۱۱۴*	-					
۴	عدالت در ارزیابی	۳/۸۸	۱/۴۶۹	۰/۱۳۵**	-۰/۰۷۳	۰/۳۸۹**					
۵	استرس منفی	۵/۶۱	۲/۵۸۲	-۰/۱۱۴*	۰/۰۲۱	-۰/۱۹۲**	-۰/۲۶۳	-			
۶	فرد گرایی	۱۳/۸۵	۲/۵۲۴	-۰/۰۳۸	۰/۱۶۴**	-۰/۰۲۲	۰/۰۸۷	-۰/۰۱۳	-		
۷	برابری گرایی	۹/۲۲	۲/۳۵۸	-۰/۰۸۷	۰/۱۸۹**	-۰/۰۱۴*	۰/۰۱۴	-۰/۰۷۳	۰/۱۲۹**	-	
۸	جبر گرایی	۶/۲۶	۱/۹۲	-۰/۱۷۵**	۰/۱۴۴**	-۰/۰۹۳*	-۰/۰۹۹	۰/۰۴۴	۰/۱۴۵**	۰/۱۸۲**	-
۹	اعتماد دموکراتیک	۱۲/۴۰۸	۴/۱۸۸	۰/۱۹۹**	-۰/۱۷۴**	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	-۰/۰۸۴	-۰/۰۹۷*	۰/۰۶۴	-۰/۲۳۷**

* $P < 0/05$

** $P < 0/01$

جدول ۲. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مسیرهای مدل نهایی

ردیف	مسیرهای مدل نهایی	B	SE	β	R^2	Residuals
۱	جبر گرایی ← باور به دنیای عادلانه	-.۰۴۵۳ ^{***}	.۰۱۵۰	-.۰۱۳۵	.۰۵۷	.۰۹۴۳
۲	اعتماد دموکراتیک ← باور به دنیای عادلانه	.۰۲۵۸ ^{***}	.۰۰۶۹	.۰۱۶۷	.۰۱۸	.۰۹۸۲
۳	باور به دنیای عادلانه ← عدالت رفتاری	.۰۰۳۱ ^{***}	.۰۰۱	.۰۱۳۵	.۰۱۹۲	.۰۸۰۸
۴	باور به دنیای عادلانه ← عدالت در ارزیابی	.۰۰۸۷ ^{***}	.۰۰۲	.۰۱۷۸	.۰۷۹	.۰۹۲۱
۵	عدالت رفتاری ← عدالت در ارزیابی	.۰۷۸۷ ^{***}	.۰۰۸۷	.۰۳۶۷		
۶	برابری گرایی ← عدالت در ارزیابی	-.۰۱۲۲ ^{***}	.۰۰۵۴	-.۰۰۹۱		
۷	عدالت در ارزیابی ← استرس منفی	-.۰۰۸۷ ^{***}	.۰۰۳۸	-.۰۱۰۶		
۸	عدالت رفتاری ← استرس منفی	-.۰۳۸۹ ^{***}	.۰۰۸۲	-.۰۲۲۲		

* $P < .05$ ** $P < .01$ 

شکل ۲. الگوی نهایی رابطه بین متغیرهای پژوهش

با این متغیر نیز از مدل نهایی حذف گردید. اما متغیر برابری گرایی نیز با باور به دنیای عادلانه دارای ضریب مسیر معنی دار ($P < .05$) نبود و به همین دلیل این رابطه یا مسیر نیز در مدل نهایی حذف شد. بررسی مدل روابط بین متغیرهای باقی مانده یعنی برابری گرایی، جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک به عنوان متغیرهای مستقل مدل (یا همان متغیرهای پیش‌بین)، با باور به دنیای عادلانه (متغیر واسطه‌ای سطح اول) حاکی از آن بود که بر اساس شاخص‌های اصلاح (Modification indices) مطرح شده توسط مدل سازی معادله ساختاری، لازم است یک مسیر به مدل نهایی (جدول

پیش از توضیح راجع به آن چه در جدول و شکل ۲ ارائه شده، توضیح چند نکته الزامی است. مدل ارائه شده در تصویر ۱ پس از بررسی در مدل سازی معادله ساختاری، تغییراتی بدین شرح نمود. فرد گرایی به دلیل عدم ارتباط معنی دار ($P < .05$) با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به طور کلی از مدل نهایی حذف گردید. باور به دنیای ناعادلانه نیز با هیچ یک از دو متغیر عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری دارای مسیر معنی دار ($P < .05$) نبود و این متغیر نیز از مدل نهایی حذف گردید. با حذف باور به دنیای ناعادلانه خود به خود روابط بین برابری گرایی، جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک

و شکل ۲) افزوده شود. بر اساس پیشینه مطرح برای پژوهش (نظیر منابع شماره ۲۳، ۲۰، ۱) تصمیم بر افزودن یک مسیر بین برابر گرایی با عدالت در ارزیابی شد. شاخص‌های برازش مدل در مدل سازی معادله ساختاری متنوع و متعدد هستند که در این جا به گزارش χ^2 ، GFI، AGFI، CFI و RMSEA بسنده شده است. بر اساس گزارش‌های موجود، غیر معنی‌دار بودن χ^2 ($P < 0.05$)، AGFI بزرگ‌تر از ۰/۹ یا ۰/۹۵ و GFI و CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۵ و RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۶ یا ۰/۰۸ حاکی از برازش مناسب و مطلوب مدل با داده‌های پژوهش خواهد بود. بنابراین، مبنای نتایج این مقادیر بوده‌اند (۳۲). چنان که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، از ابعاد ایدئولوژی‌های عدالت، جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه تأثیر داشته‌اند. این دو بعد از ایدئولوژی‌های عدالت ۵/۷ درصد از واریانس باور به دنیای عادلانه را تبیین نموده‌اند. اما برای عدالت در ارزیابی، برابری گرایی از ابعاد ایدئولوژی‌های عدالت، باور به دنیای عادلانه و عدالت رفتاری دارای تأثیر مستقیمی بود، به ترتیبی که این سه متغیر ۱۹/۲ درصد از واریانس عدالت در ارزیابی را تبیین نمود. از نظر ترتیب اثر، عدالت رفتاری، باور به دنیای عادلانه و برابری گرایی قرار داشت. برای عدالت رفتاری فقط باور به دنیای عادلانه ۱/۸ درصد از واریانس این متغیر را تبیین نمود. در آخرین مرحله نیز عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری، ۷/۹

درصد از واریانس استرس منفی دانشجویان را در دانشگاه تبیین نمود. در این بین از نظر ترتیب اثر، ابتدا عدالت رفتاری و سپس عدالت در ارزیابی قرار داشت. اما الگوی مشابه، برای باور به دنیای ناعادلانه بررسی گردید و مشخص شد که باور به دنیای ناعادلانه به دلیل روابط غیر معنی‌دار و ضعیفی که با اغلب متغیرهای پژوهش و به ویژه عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی داشت (جدول ۱)؛ ضمن این که قادر به ایفای نقش میانجی در بین ایدئولوژی‌های عدالت با عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی دانشجویان نیز نبود. به هر حال الگوی نهایی ارایه شده در شکل ۲ از نظر شاخص‌های برازش نیز از شرایط مطلوبی برخوردار بود. برای این مدل، χ^2 برابر با ۱۴/۷۹۷ ($P < 0.05$, $df = 10$)، GFI برابر با ۰/۹۹۲، AGFI برابر با ۰/۹۷۷، CFI برابر با ۰/۹۷۹ و RSMEA نیز برابر با ۰/۰۳۱ به دست آمد. در جدول ۳ اثرات مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مؤثر در شکل ۲ ارایه شده است.

لازم به ذکر است که بر اساس منابع موجود، اثرات غیر مستقیمی که مقدار قدر مطلق آن‌ها به ۰/۰۵ می‌رسد، با احتمال بیشتری معنی‌دار است (۳۳). علاوه بر نتایج حاصل از مدل سازی معادله ساختاری، از طریق رگرسیون سلسله مراتبی، نقش هر یک از ابعاد ایدئولوژی‌های عدالت در باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، بر مبنای شدت همبستگی‌های

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیر مستقیم غیر استاندارد متغیرهای مؤثر در شکل ۲

متغیرها	باور به دنیای عادلانه			عدالت رفتاری			عدالت در ارزیابی			استرس منفی	
	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم
۱. برابری گرایی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۰/۱۲۲	۰	۰	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱
۲. جبر گرایی	-۰/۴۵۳	۰	-۰/۴۵۳	۰	-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۴	۰/۰۲۹	۰	۰/۰۲۹	۰/۰۱	۰/۰۱
۳. اعتماد دموکراتیک	۰/۲۵۸	۰	۰/۲۵۸	۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰	۰	۰	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۶
۴. باور به دنیای عادلانه	۰	۰	۰	۰/۰۳۱	۰	۰/۰۳۱	۰/۰۸۷	۰/۰۲۴	۰/۱۱۱	-۰/۰۲۲	-۰/۰۲۲
۵. عدالت رفتاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۷۸۷	۰	۰/۷۸۷	-۰/۰۶۸	-۰/۰۶۸
۶. عدالت در ارزیابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۰/۰۸۷	۰

مرتبه صفر مورد تحلیل قرار گرفت. شواهد حاصل از این تحلیل‌ها نیز نشان داد که به ترتیب اعتماد دموکراتیک (با تبیین ۴ درصد واریانس خالص)، جبر گرایی و برابری گرایی (با تبیین ۱/۷ و ۱ درصد واریانس خالص افزوده)، بیشترین نقش را در شکل‌گیری باور به دنیای عادلانه در دانشجویان دارد. اما در مورد باور به دنیای ناعادلانه، به ترتیب برابری گرایی (با تبیین ۳/۶ درصدی واریانس به صورت خالص)، اعتماد دموکراتیک (با تبیین ۳/۵ درصدی واریانس خالص افزوده) و فرد گرایی (با تبیین ۱/۵ درصدی واریانس خالص افزوده) بیشترین نقش را در باور به دنیای ناعادلانه ایفا می‌نمود. لازم به ذکر است که نقش اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه مثبت و نقش جبر گرایی بر این باورها منفی بود. ضمن این که برای باور به دنیای ناعادلانه نقش برابری گرایی و فرد گرایی مثبت و نقش اعتماد دموکراتیک منفی بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی مدل روابط بین ایدئولوژی‌های عدالت، با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی دانشجویان بود. در مدل ارایه شده، ایدئولوژی‌های عدالت (شامل فرد گرایی، برابری گرایی و جبر گرایی) و اعتماد دموکراتیک به عنوان متغیرهای مستقل مدل (یا متغیرهای پیش‌بین)، باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری به ترتیب متغیرهای واسطه‌ای سطح اول و دوم و استرس منفی دانشجویان به عنوان متغیر ملاک یا پیامد در نظر گرفته شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش از نقش جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک در شکل‌گیری باور به دنیای عادلانه و همچنین از روابط بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با عدالت رفتاری و عدالت در ارزیابی و استرس منفی دانشجویان حمایت لازم را فراهم نمود. با وجود این که پژوهشی از قبل در اختیار قرار نگرفت که از آن طریق بتوان همخوانی یا ناهمخوانی یافته‌های پژوهش را در حوزه نقش ایدئولوژی‌های

عدالت و اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه مورد بحث قرار داد، ولی تحلیل‌های رگرسیون سلسله مراتبی که بر مبنای نیرومندی همبستگی‌ها در ماتریس همبستگی به مرحله اجرا درآمد، شواهد اولیه‌ای از چگونگی تأثیر ایدئولوژی‌های عدالت و اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به دست داد. این تحلیل‌ها که مستقل از مدل سازی معادله ساختاری صورت گرفت، حاکی از آن بود که باور به دنیای عادلانه دانشجویان، تحت تأثیر اعتماد دموکراتیک و برابری گرایی قرار می‌گیرد. بدین معنی که درون مایه باور به دنیای عادلانه دانشجویان، بیشتر حاوی تمایل به برابری و مشارکت مردمی در قالب مشارکت دموکراتیک قرار می‌گیرد. تأثیر برابری گرایی و اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه دانشجویان در درجه اول مشخص کننده گرایشات فکری و شناختی دانشجویان در ارزیابی شرایط دنیاست و در درجه دوم، زمینه‌های رفتاری آن‌ها را نشان می‌دهد. در واقع بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرصت سازی برای مشارکت دموکراتیک همراه با ایجاد فرصت رشد و پیشرفت برابر برای دانشجویان چیزی بود که سطح باور به دنیای عادلانه را به سوی نیرومندتر شدن سوق می‌داد؛ احتمال می‌رود که چنین چیزی یک نیاز رشدی و تحولی برای دانشجویان باشد. بر این اساس لازم است که نقش ایدئولوژی‌های عدالت در گروه‌های سنی و شغلی متفاوت در آینده مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از دوران‌های تحولی باور به دنیای عادلانه بر مبنای ایدئولوژی‌های عدالت سخن به میان آورد.

در تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی انجام شده برای باور به دنیای ناعادلانه مشخص گردید که برابری گرایی، اعتماد دموکراتیک و فرد گرایی (اعتماد دموکراتیک در این مرحله از تحلیل دارای ضریب منفی و برابری گرایی و فرد گرایی دارای ضریب مثبت بوده‌اند) به ترتیب دارای بیشترین نقش در شکل‌گیری باور به دنیای ناعادلانه در دانشجویان بود. در واقع یافته‌ها حاکی از آن بود که با هر چه بیشتر تقویت شدن و بالا رفتن فرد گرایی و برابری گرایی، سطح باور به دنیای

ناعدالانه نیز بالا می‌رود. به هر حال، دلیل این امر با احتمال زیاد به باور دانشجویان در مورد نیاز به توجه بیشتر به اقتضای شرایط به فرد گرایی و برابری گرایی بود. اما بر عکس اعتماد دموکراتیک هر چه بیشتر تقویت شده، بالاتر می‌رفت و باور به دنیای ناعدالانه پایین‌تر می‌آمد. این یافته نیز تا اندازه قابل توجهی از نقشی که اعتماد برای داوری‌های معطوف به عدالت و بی‌عدالتی بازی می‌کند، نشأت می‌گیرد. بر این اساس از آن جا که باور به دنیای ناعدالانه ممکن است به اشکال متفاوتی موجبات بروز خشم و خصومت را فراهم آورد (۱۷) لازم است سعی شود تا اعتماد دموکراتیک در دانشجویان تقویت گردد.

در سطح مدل سازی معادله ساختاری نیز مشخص گردید که باور به دنیای ناعدالانه، قادر به ایفای نقش میانجی بین رابطه ایدئولوژی‌های معطوف به عدالت با عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی دانشجویان نیست. این امر به احتمال زیاد مربوط به ویژگی کلی بودن گویه‌های پرسش‌نامه باور به دنیای ناعدالانه بود. بر عکس باور به دنیای ناعدالانه، پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه دارای سؤالاتی با محتوای شخصی بود. بنابراین، به احتمال زیاد اگر در آینده به جای باور به دنیای ناعدالانه کلی، باور به دنیای ناعدالانه شخصی (مانند باور به دنیای عادلانه شخصی) مورد سنجش قرار گیرد، نتایج قابل تعمیم‌تری به دست می‌آید. اما در سطح مدل سازی معادله ساختاری، جبر گرایی و اعتماد دموکراتیک بر باور به دنیای عادلانه و برابری گرایی بر عدالت در ارزیابی دارای نقش بود. جبر گرایی که درون‌مایه‌ای مبتنی بر درماندگی و انفعال را در خود دارد، باور به دنیای عادلانه را تضعیف می‌کند. این تضعیف با آن چه توسط Lerner (۱۰)، Lerner و همکار (۱۱) و Dalbert (۲۹، ۱۹) در باب باور به دنیای عادلانه بیان شده است، همسویی دارد. باور به دنیای عادلانه از لحاظ ماهیت، افراد را در بسیاری شرایط برای دستیابی به اهداف بلند مدت فعال نگه می‌دارد. اگر در عرصه شناختی افراد به این باور برسند که تلاش آن‌ها برای دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی بدون اثر است، به طور طبیعی

باید برای حفظ باور به دنیای عادلانه خود تلاش چندانی نکنند. همین امر موجب تضعیف تدریجی این باورها می‌شود. اما هر چه سطح اعتماد دموکراتیک در دانشجویان تقویت شود، به همان میزان باور به دنیای عادلانه نیز تقویت می‌گردد. در واقع بنا بر گزارش‌های پژوهشی موجود، اعتماد یکی از عوامل تقویت کننده برای باور به دنیای عادلانه افراد است (۱۷). نکته جالب توجهی که بر اساس پیشینه پژوهش انتظار آن وجود نداشت، نقش نسبی برابری گرایی (به صورت منفی) بر عدالت در ارزیابی استادان بود. این شواهد گویای آن است که هر چه برابری گرایی در دانشجویان نیرومندتر شود، عدالت در ارزیابی به طور نسبی تضعیف می‌گردد. احتمال می‌رود این امر از آن جا ناشی شود که ارزیابی یک فعالیت مبتنی بر برابری در ملاک‌های ارزیابی است که باید بر مبنای شایستگی و تلاش (یعنی تا اندازه‌ای فرد گرایی) انجام گیرد؛ لذا طبیعی است که با نیرومندتر شدن برابری گرایی، عدالت در ارزیابی که به طور عمده فرد گرایانه است، تضعیف شود.

در نهایت دیگر یافته‌ها که به طور کلی در شکل ۲ آرایه شده حاکی از آن است که باور به دنیای عادلانه باعث نیرومندتر شدن عدالت در ارزیابی و عدالت رفتاری و این دو در نهایت موجب کاهش سطح استرس منفی دانشجویان می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌های محققانی چون Dalbert و همکار (۲۳) و گل‌پور و نادری (۲۰) همسویی دارد. در واقع می‌توان گفت که باور به دنیای عادلانه از طریق اعتماد فرد به برنامه‌ریزی‌ها و تلاش خود، افراد را بسان یک لنز چشمی به سمت عادلانه‌تر دیدن ارزیابی‌ها و رفتار استادان سوق می‌دهد. این امر باعث می‌شود تا سطح استرس منفی آن‌ها در محیط دانشگاه کاهش یابد. به بیان دیگر، باور به دنیای عادلانه همسو با کارکردهای سازشی و بهداشتی نظیر ضربه‌گیری در برابر فشارهای روانی و محافظی در برابر حوادث و رخدادهای محیطی می‌باشد.

این مطالعه نیز بسان دیگر مطالعات دارای محدودیت‌هایی بود؛ از جمله این که باید توجه داشت که این مطالعه بر اساس روابط تغییراتی و نه روابط علت و معلولی انجام شد و باید در

در حوزه نقش ایدئولوژی‌های عدالت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه بر عدالت در ارزیابی، عدالت رفتاری و استرس منفی مشخص گردد.

به هر حال، بر اساس یافته‌های این پژوهش به عنوان پیشنهاد کاربردی می‌توان گفت که تلاش برای کاهش افکار جبر گرایانه و تقویت اعتماد دموکراتیک موجبات نیرومندتر شدن باور به دنیای عادلانه در دانشجویان می‌شود. در این چرخه نیرومندتر شدن باور به دنیای عادلانه باعث افزایش سطح عدالت در ارزیابی و رفتار استادان می‌شود که این خود سطح استرس منفی را به عنوان یک عامل تهدید کننده بهداشت روانی دانشجویان تضعیف خواهد کرد.

سیاسگزاری

از تمامی دانشجویان عزیزی که در این مطالعه شرکت نمودند، همچنین تمام همکارانی که در زمان اجرا و تحلیل و تدوین این پژوهش ما را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماییم و از خداوند متعال توفیق روزافزون این عزیزان را از درگاه ایزد منان خواستاریم.

تفسیر و تعمیم نتایج به صورت علت و معلولی احتیاط شود. محدودیت دوم این که گروه نمونه پژوهش به صورت در دسترس بود؛ این نوع نمونه‌گیری با وجود این که برای مطالعاتی از نوع مطالعه حاضر می‌تواند سودمند باشد، ولی به طور بالقوه می‌تواند به اثر داوطلب در مطالعه منجر شود. آخر این که ضرایب پایایی (بر حسب آلفای کرونباخ) در مواردی نظیر برابری گرای و فرد گرایی و باور به دنیای ناعادلانه در حد پایین‌تر از حد قابل قبول ($0/7$ یا $0/8$) بود. این پایین بودن ضرایب پایایی به تعداد سؤالات این مقیاس‌ها باز می‌گردد و می‌تواند موجب کاهش یا تضعیف سطح روابط به دست آمده گردد. بر همین مبنا لازم است در پژوهش‌های آینده در این حوزه‌ها از ابزارهایی استفاده شود که از ضرایب بالاتری برخوردارند تا بدین وسیله زمینه کاهش یا تضعیف روابط بر طرف شود. در عین حال پیشنهاد دیگر این است که در صورت استفاده از مقیاس‌های دارای ضرایب پایایی پایین، ضرایب همبستگی ساده برای کاهش یا تضعیف مورد اصلاح قرار گیرند. پژوهشگران می‌توانند مطالعه حاضر را در صورت امکان با گروه‌های نمونه تصادفی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف به مرحله اجرا درآورند تا از آن طریق، مرزهای دانش

References

1. Wegener B, Lippl B, Christop B. Justice ideologies, perceptions of reward justice, and transformation: East and west Germany in comparison. In: Mason DS, Kluegel JR, Editor. Justice in transition: changing public opinion about politics, the market, and social inequality in central and eastern Europe. New York: Aldine de Gruyter; 2000. p. 1-30.
2. Douglas M. In the active voice. London: Routledge and kegan paul; 1982.
3. Wegener B, Liebig S. Hierarchical and social closure conceptions of distributive social justice: A comparison of East and West Germany. In: J Kluegel, D.Mason, B.Wegener, editors. Social justice and political change: Public opinion in capitalist and post-commonist states. New York: Aldine de Gruyter; 1995. p. 263-84.
4. Abercrombie N, Hill S, Turner BS. Dominant ideologies. London: Unwin Hyman; 1990.
5. International social Justice Research. The complete codebook of the trend dataset 1991-1996. ISJP Technical Report; No. 51. Berlin: ISJP; 1998.
6. International social Justice Research. Codebook of the trend dataset 1991-1996, country specific codebook for East and West Germany. ISJP Technical Report; No. 53. Berlin: ISJP; 1998.
7. Jasso G. How much injustice is there in the world? Two new justice indexes. American Sociological Review 1999; 64(1): 133-68.
8. Areizie HR, Golparvar M. Relation between social justice approaches with political equality components. Social welfare Quarterly 2005; 16(4): 155-84. [In Persian].
9. Golparvar M, Areizie HR. Peoples' attitude towards private schools in EsfahanQuarterly. Journal of Education 2006; 9(3): 27-60. [In Persian].

10. Lerner MJ. Evalotion of Performance as Function of Performance Reward and Attractivenees. *J Pers Soc Psychol* 1965; 95: 355-60.
11. Lerner M, Miller D. Just world research and the attribution processes: Looking back and ahead. *Psychological Bulletin* 1978; 85: 1030-51.
12. Hafer CL. Investment in long-term goals and commitment to just means drive the need to believe in a just world. *Personality and Social Psychology Bulletin* 2000 26(9): 1059-73.
13. Golparvar M, Javadi S. Relational model between just world beliefs for self and others with mental health indicators: structural equations model. *The Quarterly Journal of Fundamental of Mental Health* 2006; 8(31-32): 109-22. [In Persian].
14. Golparvar M, Kamkar M, Javadi S. Relation between just world beliefs for self and others with general health, life safisfaction, positive and negative affect and automatic thoughts. *Journal of Psychology Science and Research* 2007; 9(31): 39-68. [In Persian].
15. Golparvar M, Oreizie HR. A comparative study on men and women's attitude toward the fairness of the world. *A Quarterly Journal of the center for woman's studies* 2007; 4(4): 95-114. [In Persian].
16. Golparvar M, Oreizie HR. Validation of just world beliefs questionnaires for self and others. *Journal of Humanities* 2008; 25(4): 193-212. [In Persian].
17. Golparvar M, Khaksar S, Khayatan F. The Relationship between Belief in a just and an unjust world and aggression]. *Journal of Iranian psychologists* 2009; 18(5): 127-36. [In Persian].
18. Furnham A, Procter E. Belief in a just world: review and critique of the individual differences literature. *British Journal of Social Psychology* 1989; 28: 365-85.
19. Dalbert C. The justice motive as a personal resource: Dealing with challenges and critical life events. New York: Springer; 2001.
20. Golparvar M, Nadi MA. Belief to the just and an unjust world beliefs, behavioral justice, justice evaluation and distress at school. *Research in Psychological Health* 2008; 2(2): 51-61. [In Persian].
21. Rubin Z, Peplau A. Belief in a just world and reactions to another's lot. *Journal of Social Issues* 1973; 29: 73-93.
22. Rubin Z, Peplau A. Who believes in a just world? *Journal of Social Issues* 1975; 31(3): 65-89.
23. Dalbert C, Stober J. The belief in a Just world and distress at school. *Social Psychology of Education* 2005; 8(2): 123-35.
24. Hoy WK, Tarter CJ. Organizational justice in schools: no justice without trust. *International Journal of Educational Management*, 2004; 18(4): 250-9.
25. Sajadian I, Golparvar M. simple and multiple relations between just an unjust world beliefs with psychological state. *contemporary psychology* 2008; 3(1): 33-42. [In Persian].
26. Christopher AN, Zabel KL, Jones JR, Marek P. Protestant ethic ideology: Its multifaceted relationships with just world beliefs, social dominance orientation, and right-wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences* 2008; 45(6): 473-7.
27. Latridis T, Fousiani K. Effects of status and outcome on attributions and just world beliefs: How the social distribution of success and failure may be rationalize. *Journal of Experimental social Psychology* 2009; 45(2): 415-20.
28. Callan MJ, Shead NW, Olson JM. Foregoing the labor for the fruits: the effect of just world threat on the desire for immediate monetary rewards. *Journal of Experimental social Psychology* 2009; 45(1): 246-9.
29. Dalbert C. The world is more just for me than generally: about the personal belief in a just world scale's validity. *Social Justice Research* 1999; 12(1): 79-98.
30. Dalbert C, Lipkus IM, Sallay H, Goch I. A just and an unjust world: structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences* 2001; 30(4): 561-77.
31. Sarmad Z. Inferential statistics: selected topics in univariate analysis. 1st ed. Tehran: SAMT; 2005. [In Persian].
32. Meyers LS, Glenn Gamst, J.Guarino. Applied multivariate research: design and interpretation. London: SAGE; 2006.
33. Lau CM, Tan SL. The effect of procedural fairness and interpersonal trust on job tension in budgeting. *Management Accounting Research* 2006; 17(2): 171-86.

The role of justice ideologie and just and unjust world belief on behavioral and evaluative justice of college students' distress

Golparvar M¹, Akbari M²

Abstract

Aim and Background: Justice in the form of justice ideologies and an unjust and just world belief is the important perceptual and cognitive component in various domains of life. This research aimed to study the role of justice ideologies and the just and unjust world beliefs on behavioral and evaluative justice of college students' distress in Isfahan city.

Method and Materials: This was a retrospective correlation study. Statistical population was all the students in Isfahan city universities. From them, 500 students selected using convenience sampling. Research questionnaire included belief in a just world (from Dalbert), belief in an unjust world belief (from Dalbert, Lipkus, Sallay and Goch), justice in evaluation, behavioral justice, distress in universities (three from Dalbert and Stober) and justice ideology and democratic trust (Wegener et al). Data were analyzed using of Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling.

Findings: The results of structural equation modeling showed that determinism and democratic trust have direct effect which explained 5.7 percent of variances of belief to the just world; belief to the just world explained 1.8 percent of variances of behavioral justice; egalitarianism explained 19.2 percent of variances of justice in evaluation and justice in evaluation; finally behavioral justice explained 7.9 percent of variances of distress.

Conclusions: Reinforcing belief to the just world and diminishing egalitarian can increase behavioral justice and reinforcing belief to the just world can increase evaluative justice. Finally with increase of behavioral justice and evaluative justice, the levels of college students' distress could decrease.

Keywords: justice ideology, belief in a just world, belief in an unjust world, behavioral justice, justice in evaluation, college students.

Type of article: Research

Received: 03.06.2009

Accepted: 26.01.2010

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

E-mail: mgolpavrar@khuif.ac.ir.

2. MA in Psychology, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.